

رابطه تحول منزلت‌های هویت بین شخصی و هویت دینی در دانشجویان

عباس رحیمی نژاد*

سمیه علی مددی**

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه هویت بین شخصی و هویت دینی دانشجویان بود. جهت دستیابی به این هدف، ۳۴۳ (۱۹۱ دختر و ۱۵۱ پسر) دانشجوی مقطع کارشناسی به روش تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای از گروه‌های تحصیلی علوم انسانی و فنی- مهندسی دانشگاه تهران انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از ترجمه فارسی پرسشنامه گسترش‌یافته سنجش عینی هویت من (EOM-2) بنیون و آدامز (۱۹۸۶) و پرسشنامه هویت دینی (رحیمی نژاد و احمدی، ۱۳۷۴). یافته‌های پژوهش عبارتند از: الف) همبستگی منفی بین سردرگمی و پذیرش هویت دینی؛ ب) همبستگی مثبت بین دنباله‌روی و پذیرش هویت دینی؛ ج) عدم رابطه بین بحران‌زدگی و پذیرش و یا نفی هویت دینی؛ د) عدم رابطه معنادار بین هویت‌یافتگی دینی و پذیرش هویت دین؛ ه) جهت همبستگی رابطه متغیرها و معناداری آنها، در هر دو جنس یکسان بود.

واژه‌های کلیدی: هویت بین‌شخصی، هویت دینی، بحران‌زدگی، سردرگمی و هویت‌یافتگی، دانشجویان.

مقدمه

گذار از نوجوانی به دوره جوانی یکی از حساس‌ترین مراحل تحول شخصیت است. اریکسون^۱ (۱۹۶۳، ۱۹۶۸) این مرحله را هویت‌یابی در برابر سردرگمی می‌داند، رویارویی با بحران و هویت‌یابی مهم‌ترین وظیفه تحول شخصیتی نوجوان تلقی می‌شود. این هویت‌یابی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارند. از نظر اریکسون (۱۹۶۸) سه عامل انتخاب شغل، موضع‌گیری سیاسی نسبت به جریان‌های سیاسی و انتخاب مذهب نقش اساسی در هویت‌یابی نوجوانان دارد. مارک اشترم - آدامز (۱۹۹۲) معتقد است، مذاهب مختلف اغلب می‌توانند نوجوان را در هویت‌یابی کمک کنند، اگرچه برخی از نوجوانان نیز ترجیح می‌دهند که برای هویت‌جویی از آموزه‌های دینی کمک نگیرند.

بل^۲ در فرهنگ لغت روان‌شناسی دین (لیمینک؛ مادن و مارلن، ۲۰۱۰) هویت دینی^۳ را به عنوان مفهومی که بیشتر اندیشمندان، به خوبی معنای آن را درک می‌کنند، می‌داند و معتقد است که هویت دینی به «تعریف خود»^۴ با توجه به یک سنت دینی اشاره دارد. شرفی (۱۳۸۰)، رابطه آدمی را با دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، در مقوله «هویت دینی» تبیین می‌کند. او هدف ایدئولوژی را ایجاد تصویری در ذهن شخص می‌داند که احساس فردی و جمعی را در او تقویت کند. بدیهی است از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولیت در برابر ارزش‌ها و باورهای یک مکتب است. برخی از صاحب‌نظران، تعهد را به عنوان سنگ‌بنای «هویت دینی» تلقی می‌کنند.

نخست، مفهوم «هویت من»^۵ را اریکسون (۱۹۵۰) مطرح کرد. عدم تصریح تعریف عملیاتی دقیق این مفهوم باعث شد تا مارشیا^۶ (۱۹۶۶) همت خود را مصروف ارائه معیار برای تعریف عملیاتی منزلت‌های هویت کند. مارشیا (۱۹۸۰) هویت را نه «نگرش»، نه «حل مسئله» و نه «معنا»، بلکه «ساختار خود»^۷ می‌داند. وی با ملاک قرار

1. Erikson, E. H.

2. Bell

3. religious identity

4. self-identification

5. ego-identity

6. Marcia, J. E.

7. self-structure

دادن دو بعد تجربه بحران^۱ و تعهد^۲، چهار منزلت هویت^۳، هویت‌یافتگی، دنباله‌روی، بحران‌زدگی و سردرگمی را ارائه می‌دهد. براساس تعریف عملیاتی مارشیا منزلت هویت‌یافته^۴، تجربه بحران و تعهد دارد؛ بحران‌زده^۵، تجربه بحران دارد ولی تعهد ندارد؛ دنباله‌رو^۶، تجربه بحران ندارد ولی تعهد دارد و سردرگم^۷، نه تجربه بحران و نه تعهد دارد.

بنیون و آدامز^۸ (۱۹۸۶) منزلت‌های هویت مارشیا را در دو بعد عقیدتی و بین شخصی مفهوم‌سازی کردند و در پرسشنامه گسترش‌یافته سنجش عینی هویت من^۹ سنجیدند. هویت بین شخصی، یکی از مؤلفه‌های هویت من است که دربردارنده چهار موضوع موضع‌گیری فرد نسبت به نقش همسری، انتخاب دوست، انتخاب تفریح و قرار ملاقات با جنس مخالف می‌باشد (آدامز، ۱۹۹۸). با توجه به تفاوت فرهنگی بین ایران اسلامی و غرب به جای قرار ملاقات با جنس مخالف، به تعداد هشت پرسش جایگزین با محتوای تنظیم رابطه فرد با جنس مخالف در نظر گرفته و تنظیم شد. از نظر اریکسون (۱۹۶۸) آنچه هویت «من» نامیده می‌شود، آن جنبه از «من» است که پس از ایجاد بحران روانی-اجتماعی گذار از کودکی به بزرگسالی به بررسی، انتخاب و وحدت بخشیدن تصاویر خود^{۱۰} با توجه به فضای عقیدتی خاص دوره جوانی می‌پردازند. البته هویت من در دیدگاه اریکسون تعیین‌کننده منزلت فرد در جامعه در نظر گرفته می‌شود.

از نظر اریکسون (۱۹۶۸)، دین قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی است که در خدمت تأمین احساس اعتماد در بشر می‌باشد. وی در نگاه کارکردگرایانه به مذهب، جذب نوجوانان را به امور مذهبی موجب جهت‌گیری آنها در زندگی و مانند سپری در برابر از خود بیگانگی معرفی می‌کند. بر این اساس، اریکسون به ارزش‌های اخلاقی درون فرهنگ و

-
1. exploration
 2. commitment
 3. identity status
 4. identity achieved
 5. moratorium
 6. foreclosure
 7. identity diffusion
 8. Bennion, R. & Adams, G. R.
 9. Extended Objective Measure of Ego Identity Status (EOM-EIS)
 10. self-images

مذهب اهمیت می‌دهد و آن را در حل بحران هویت مهم می‌داند. مارشیا (۲۰۰۳)؛ به نقل از سلطانی‌فر، (۱۳۸۳) نیز برای مذهب به عنوان یک حوزه مهم و عاملی فرهنگی و زمینه‌ای، در کاهش بحران هویت جوامع مذهبی، نقش مهمی قائل است و معتقد است در جوامعی که مذهب حاکم نیست بحران‌های هویتی شدیدتر است، زیرا مذهب به مهم‌ترین پرسش‌های نوجوانان؛ یعنی «از کجا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ چه کسی هستم؟ هدفم در زندگی چیست؟ چرا زندگی ارزش دارد؟» پاسخ می‌دهد.

شکل‌گیری شخصیت در دوره نوجوانی و جوانی همزمان در دو حوزه هویت‌یابی و دینداری صورت می‌گیرد. رابطه تحول هویت و دینداری تحت‌تأثیر متغیرهای مختلف از جمله شرایط فرهنگی کشورها قرار می‌گیرد. بامیستر (۱۹۸۶)؛ به نقل از سولومونتوس- کونتوری و هاری، (۲۰۰۸) به نقش جوامع مختلف در شکل‌گیری هویت تأکید کرده است. کوته و لوین (۲۰۰۲) معتقدند که در جوامع پیش‌مدرن بیشتر افراد جامعه در منزلت دنباله‌رو هستند و در جوامع مدرن سردرگمی و بحران‌زدگی غالب است. البته تلاش‌های اندکی برای تأثیرگذاری موقعیت‌های بزرگ بر هویت افراد انجام شده است.

شوارتز (۲۰۰۵) به ضرورت بررسی تأثیر فرهنگ بر هویت شخصی تأکید کرده است. مطالعات اندکی در زمینه تأثیر فرهنگ و جوامع مختلف بر هویت شخصی و هویت دینی انجام گرفته است. در ادامه به مرور پژوهش‌های انجام شده در این زمینه پرداخته می‌شود. نتیجه پژوهش مارک اشتروم - آدامز، هافسترا و دوکر^۱ (۱۹۹۴) حاکی از وجود همبستگی مثبت بین شرکت در مراسم کلیسا و هویت‌یافتگی و دنباله‌روی است. در پژوهش فولتن^۲ (۱۹۹۷) نیز یافته‌ها از یک‌سو نشان‌دهنده رابطه مثبت جهت‌گیری درونی مذهبی و هویت‌یافتگی و از سوی دیگر، رابطه منفی جهت‌گیری درونی مذهبی با بحران‌زدگی و سردرگمی هویت است. لیک (۲۰۰۹) روی ۲۶۶ دانشجوی آمریکایی معتقد به خدا پژوهشی انجام داد. در این پژوهش رابطه تحول هویت و تحول ایمان و تعهد دینی سنجیده شد. نتایج این مطالعه نشان داد که افراد بحران‌زده از سردرگم‌ها و دنباله‌روها بیشتر دنبال تحول تعهد دینی^۳ بودند. افراد

1. Markstrom, -Adams, C., Hofstra, G., & Dougher

2. Fulton, A. S.

3. religious commitment

هویت یافته، دنباله‌رو و سردرگم از لحاظ تحول ایمانی^۱ با یکدیگر تفاوتی نداشتند. در مقایسه سطح دینداری نوجوانان یونانی و آمریکایی پژوهش سولومونتوس - کونتوری و هاری (۲۰۰۸) نشان داد که نوجوانان بخش یونانی‌نشین قبرس نسبت به همسالان آمریکایی خود از هویت سیاسی و مذهبی بالاتری برخوردارند.

پژوهش‌های انجام شده در ایران اسلامی نیز یافته‌های مختلفی را نشان می‌دهد. نجفی (۱۳۸۲) در تحقیق برای بررسی رابطه دینداری با بحران هویت با استفاده از پرسشنامه عمل به باورهای دینی به این نتیجه رسید که در افراد دیندار، بحران هویت کمتر است و منزلت هویت یافته با دینداری رابطه کمی دارد و منزلت بحران زده با تردید دینی بیشتر و فقدان تعهد دینی و بنیاد دینی ضعیف همراه است. منزلت دنباله‌رو با انجام تعهدات دینی و عمل به باورهای دینی همراه است. سبک هویت بحران زده و سردرگم با تردید دینی بالا و عدم تعهد دینی و عدم عمل به باورهای دینی و اجتناب از منابع اطلاعاتی برای تأیید یا رد اعتقادات همراه است.

سلطانی فر (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای برای بررسی ارتباط میان منزلت‌های هویت مارشیا و جهت‌گیری مذهبی که با مقیاس جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر دین اسلام اندازه‌گیری شده بود، به این نتیجه رسید که سه منزلت هویت یافته، بحران زده و دنباله‌رو با جهت‌گیری مذهبی ارتباط مثبت دارند، در حالی که بین منزلت هویت سردرگم با جهت‌گیری مذهبی ارتباطی دیده نشد. تقی‌یاره، مظاهری و آزاد فلاح (۱۳۸۴) پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان، انجام داد و نتایج نشان دهنده رابطه منفی بین سطح تحول من و دلبستگی اجتنابی به خدا، ارتباط مثبت بین سطح تحول من و جهت‌گیری مذهبی درونی بود.

در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در کشورهای غربی رابطه هویت عقیدتی با دینداری سنجیده شده و کمتر رابطه منزلت هویت بین شخصی با دینداری مورد مطالعه قرار گرفته است. در پژوهش حاضر ضمن مطالعه این رابطه تلاش شده است تا مقوله دینداری از دو جنبه پذیرش هویت دینی و نفی هویت دینی در دانشجویان بررسی شود. از این رو، مسئله اول پژوهش حاضر این است که چه رابطه‌ای بین چهار منزلت هویت بین شخصی با پذیرش هویت دینی در دو جنس وجود دارد. مسئله دوم نیز

1. faith development

بررسی رابطه چهار منزلت هویت بین‌شخصی با نفی هویت دینی در دو جنس است. با توجه به تأثیر هویت بین‌شخصی در تنظیم روابط اجتماعی جوانان شناخت میزان تأثیرپذیری منزلت‌های هویت چهارگانه بین‌شخصی از پذیرش و یا نفی هویت دینی کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. یافته‌های پژوهش در این زمینه می‌تواند به برنامه‌ریزی‌های آموزشی و یا مداخلاتی در شکل‌گیری هویت بین‌شخصی با تقویت دینداری کمک کند.

روش

طرح پژوهش حاضر، غیرآزمایشی و با توجه به موضوع و هدف آن، از نمونه طرح‌های همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی گروه‌های تحصیلی علوم انسانی و فنی - مهندسی دانشگاه تهران در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ (به تعداد ۸۸۵۳ نفر، شامل ۵۰۲۳ دانشجوی دختر و ۳۸۳۰ دانشجوی پسر) است. حجم نمونه، با توجه به تعداد متغیرها و به ازای هر متغیر دست‌کم پانزده نفر (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۷)، در نهایت تعداد ۱۵۰ نفر برای هر جنس و در کل تعداد سیصد نفر در نظر گرفته شد. با توجه به توزیع نامتقارن دانشجویان دختر و پسر در گروه‌های تحصیلی و همچنین با نظر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای که برای جمع‌آوری داده‌ها در نظر گرفته شده بود، برای اینکه تعداد دانشجویان پسر در نمونه پژوهشی به ۱۵۰ نفر برسد، ناگزیر تعداد دانشجویان دختر به بیش از ۱۵۰ نفر رسید. نمونه مورد بررسی در این پژوهش شامل ۳۴۳ نفر دانشجو بود؛ ۱۹۱ نفر دختر، ۱۵۱ نفر پسر و یک نفر که جنسیت خود را مشخص نکرده بود. نمونه این پژوهش به صورت تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای انتخاب شد. در مرحله نخست نمونه‌گیری، از گروه تحصیلی علوم انسانی، دو دانشکده ادبیات و علوم انسانی و الهیات و معارف اسلامی و از گروه تحصیلی فنی - مهندسی نیز دو دانشکده مهندسی عمران و مهندسی معدن به قید قرعه انتخاب شدند. لازم به ذکر است که پردیس‌های قم، ابوریحان و کیش به علت مشکلات نمونه‌گیری، در ابتدا از جامعه آماری حذف شدند. در مرحله دوم، از هر دانشکده چهار کلاس به تصادف انتخاب شدند. با این توضیح که در انتخاب کلاس‌ها، سعی شد که از هر رشته در هر دانشکده، یک کلاس انتخاب شود. در پایان نمونه‌گیری و پس از انتخاب چهار کلاس

از هر کدام از دانشکده‌های انتخابی، چون تعداد دانشجویان پسری که در کل نمونه آورده شدند، کمتر از ۱۵۰ نفر بود، به ناچار یک کلاس دیگر نیز از گروه تحصیلی فنی - مهندسی انتخاب شد.

ابزار

۱. پرسشنامه هویت دینی: این پرسشنامه دارای ۶۷ پرسش است. ۳۲ پرسش آن به زیرمقیاس پذیرش هویت دینی و ۲۵ پرسش به زیرمقیاس نفی هویت دینی و ۱۰ پرسش آن به مقیاس دروغ‌سنج مربوط می‌شود. مقیاس پذیرش هویت دینی شامل اعتقاد به نقش مثبت دین و به‌ویژه اسلام بر زندگی بهتر انسان، احساس خوشحالی و افتخار از مسلمان بودن و عمل به دستورات اسلامی و یاری مسلمانان سایر کشورها است. زیرمقیاس نفی هویت دینی مشتمل بر عدم اعتقاد به نقش دین در حل مشکلات انسان، ضروری ندانستن انجام دستورات دینی و انجام فرایض دینی به صورت اختیاری است. در این مطالعه که روی ۲۵۴۱ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران انجام شد، اعتبار و روایی آن بررسی شد. ضریب اعتبار زیرمقیاس‌ها برحسب آلفای کرونباخ در زیرمقیاس هویت دینی ۰/۹۰ و در زیرمقیاس نفی هویت دینی ۰/۸۴ به دست آمد. در بررسی روایی سازه دو زیرمقیاس پذیرش هویت دینی و نفی هویت دینی به عنوان دو عامل پس از انجام تحلیل عاملی نود پرسش هویت دینی استخراج شد (رحیمی نژاد و احمدی، ۱۳۷۴).

۲. پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی هویت من (EOM-EIS2): برای سنجش چهار منزلت هویتی سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت‌یافته از ترجمه پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی هویت من آدامز و بنیون استفاده شد. این پرسشنامه در بخش عقیدتی، چهار محتوای شغل، سیاست، فلسفه زندگی و مذهب را با مجموع ۳۲ پرسش دربردارد. در بخش هویت بین‌شخصی نیز چهار حیطه نقش جنسی، انتخاب دوست، تفریح و وعده ملاقات با جنس مخالف ۲۴ پرسش در نظر گرفته شده است. تعداد پرسش‌های این بخش نیز مانند بخش عقیدتی ۳۲ پرسش و در کل پرسشنامه ۶۴ سؤال دارد. رحیمی نژاد (۱۳۷۹) این پرسشنامه را بومی‌سازی و هنجاریابی کرده است. به همراه یک برگه مربوط به مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهنده و توضیحات پژوهش که برای هر فرد به صورت یک مجموعه درآورده شده بود، به صورت گروهی

با موافقت اساتید و در کلاس درس دانشجویان اجرا شد. به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده و پاسخ به پرسش مطرح شده در پژوهش از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌های هویت دینی و منزلت‌های هویت بین شخصی برحسب جنس در جدول ۱ مشخص شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌های هویت دینی و منزلت‌های هویت بین شخصی برحسب جنس

پسر		دختر		متغیرها
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۱/۱۱	۵۶/۷۶	۱/۲۳	۵۷/۶۷	پذیرش هویت دینی
۱/۲۷	۴۴/۷۰	۱/۲۴	۴۴/۳۲	نفی هویت دینی
۵/۷۹	۲۵/۰۴	۵/۲۰	۲۳/۷۵	سردرگمی
۸/۲۶	۲۳/۳۰	۸/۰۳	۲۲/۲۶	دنباله‌روی
۵/۶۴	۲۷/۱۲	۴/۸۱	۲۵/۹۶	بحران‌زدگی
۴/۸۵	۳۲/۶۳	۴/۷۷	۳۱/۶۷	هویت‌یافتگی

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین نمرات کسب شده دانشجویان دختر در همه مقیاس‌ها با میانگین نمرات دانشجویان پسر متفاوت است. میانگین نمرات پذیرش هویت دینی دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر بیشتر است. اما در زیرمقیاس نفی هویت دینی، دانشجویان پسر میانگین بیشتری دارند. همچنین در زیرمقیاس‌های سردرگمی هویت بین شخصی، دنباله‌روی هویت بین شخصی، بحران‌زدگی هویت بین شخصی و هویت‌یافتگی بین فردی، میانگین نمرات دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر است.

سؤال پژوهش: آیا بین منزلت‌های هویت بین شخصی و مؤلفه‌های هویت دینی دانشجویان دختر و پسر رابطه وجود دارد؟
 برای پاسخ به این سؤال اصلی لازم است به مقدار همبستگی‌های به دست آمده چهار منزلت هویت و دو متغیر پذیرش هویت دینی و نفی هویت دینی در جدول‌های شماره ۲ و ۳ توجه شود.

جدول ۲: ضرایب همبستگی پیرسون بین منزلت‌های هویت بین شخصی و مؤلفه‌های هویت دینی در دانشجویان دختر

	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱. سردرگمی						۱
۲. دنباله‌روی					۱	-۰/۰۱۳
۳. بحران‌زدگی				۱	۰/۲۶۱**	۰/۳۹۹**
۴. هویت‌یافتگی			۱	۰/۱۶۲*	۰/۱۸۸**	۰/۰۳۶
۵. پذیرش هویت دینی		۱	-۰/۰۳۷	۰/۰۲۶	۰/۲۹۸**	-۰/۲۹۴**
۶. نفی هویت دینی	۱	-۰/۷۳۰**	۰/۱۶۹*	۰/۱۲۵	-۰/۲۹۴**	۰/۲۲۳**

** $p < 0/01$ و * $p < 0/05$

جدول ۳: ضرایب همبستگی پیرسون بین منزلت‌های هویت بین شخصی و مؤلفه‌های هویت دینی در دانشجویان پسر

	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱. سردرگمی						۱
۲. دنباله‌روی					۱	۰/۰۹۱
۳. بحران‌زدگی				۱	۰/۳۱۴**	۰/۴۰۷**
۴. هویت‌یافتگی			۱	۰/۳۴۶**	۰/۲۱۴**	۰/۱۸۷*
۵. پذیرش هویت دینی		۱	-۰/۰۰۸	-۰/۰۹۰	۰/۱۹۸*	-۰/۲۲۳**
۶. نفی هویت دینی	۱	-۰/۶۲۷**	۰/۲۴۲**	۰/۰۸۹	-۰/۱۹۸*	۰/۴۴۱**

** $p < 0/01$ و * $p < 0/05$

براساس یافته‌های جدول ۲ و ۳ نتایج پژوهش به شرح زیر ارائه شده است؛ برای سؤال اول:

الف) بین سردرگمی و پذیرش هویت دینی در دختران ($r = -0/294$) و پسران ($r = -0/223$) همبستگی معنادار منفی وجود دارد.

ب) بین دنباله‌روی و پذیرش هویت دینی در دختران ($r = 0/298$) و پسران ($r = 0/198$) همبستگی مثبت وجود دارد.

ج) بین بحران‌زدگی و پذیرش هویت دینی در دختران ($r = 0/026$) و پسران ($r = -0/090$) همبستگی وجود دارد که هیچ‌کدام معنادار نیست.

د) بین هویت‌یافتگی و پذیرش هویت دینی در دختران ($r = -0/037$) و پسران ($r = -0/008$) همبستگی معنادار وجود ندارد.

براساس یافته‌های جدول (۲) و (۳) نتایج پژوهش به شرح زیر ارائه شده است؛ برای سؤال دوم:

ه) بین سردرگمی و نفی هویت دینی در دختران ($r = 0/223$) و پسران ($r = 0/441$) همبستگی معنادار مثبت وجود دارد.

و) بین دنباله‌روی و نفی هویت دینی در دختران ($r = -0/198$) و پسران ($r = -0/294$) همبستگی منفی معنادار وجود دارد.

ز) بین بحران‌زدگی و نفی هویت دینی در دختران ($r = 0/125$) و پسران ($r = 0/089$) وجود دارد که هیچ‌کدام معنادار نیست.

ح) بین هویت‌یافتگی و نفی هویت دینی در دختران ($r = -0/169$) همبستگی غیرمعنادار و در پسران ($r = -0/242$) همبستگی منفی معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر براساس یافته‌های مسئله اول و دوم برحسب رابطه تک‌تک منزلت‌های هویت با پذیرش هویت دینی و نفی هویت دینی در دختران و پسران در جدول‌های شماره ۲ و ۳ به شرح زیر بحث و نتیجه‌گیری شد:

اولاً، بین سردرگمی هویت و پذیرش هویت دینی در دختران و پسران رابطه منفی به دست آمد. همچنین بین سردرگمی و نفی هویت دینی همبستگی مثبت در هر دو جنس به دست آمد. این یافته نشان می‌دهد که با افزایش نمره سردرگمی نمره پذیرش

هویت دینی کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش سردرگمی نفی هویت دینی نیز افزایش یافته است. این رابطه در پسران قوی‌تر بود. بنابراین، کسانی که دین‌باور با کاهش سردرگمی هویت همراه است. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های نجفی (۱۳۸۲) و فولتن (۱۹۹۷) هماهنگ است. البته در پژوهش سلطانی (۱۳۸۳) رابطه‌ای بین سردرگمی و دینداری به دست نیامد.

ثانیاً، بین دنباله‌روی و پذیرش هویت دینی همبستگی مثبت در دو جنس به دست آمد. این رابطه در دختران قوی‌تر بود. همچنین بین دنباله‌روی و نفی هویت دینی همبستگی منفی در هر دو جنس به دست آمد. نتایج پژوهش حاضر درباره رابطه دنباله‌روی و هویت دینی در رابطه مثبت با پذیرش هویت دینی با پژوهش نجفی (۱۳۸۲) سلطانی‌فر (۱۳۸۳) مارک اشتروم - آدامز، هافسترا و دوقر^۱ (۱۹۹۴) هم‌جهت بود. همبستگی مثبت بین دنباله‌روی و پذیرش هویت دینی مورد انتظار است، دلیل آن هم این است که طبق تعریف مارشیا (۱۹۶۶) افراد دنباله‌رو نظام ارزشی حاکم بر جامعه را می‌پذیرند. از نظر جنسیتی یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که این رابطه در دختران دانشجو قوی‌تر بود.

ثالثاً، بین بحران‌زدگی و پذیرش هویت دینی در دختران و پسران رابطه‌ای به دست نیامد. همچنین بین بحران‌زدگی و نفی هویت دینی نیز در دو جنس رابطه‌ای به دست نیامد، این یافته که مورد انتظار نبود، نشان‌دهنده این است که افراد بحران‌زده که به دنبال بررسی و انتخاب مؤلفه‌های هویت بین شخصی مانند یافتن نقش همسری و تنظیم رابطه با جنس مخالف هستند با پذیرش یا نفی هویت دینی رابطه‌ای را نشان نمی‌دهند. این یافته با یافته‌های فولتن (۱۹۹۷) و لیک (۲۰۰۸) که در هر دو رابطه همبستگی منفی بین دو متغیر به دست آورد ناهماهنگ است. مقایسه نتایج حاضر با پژوهش فولتن (۱۹۹۷) و لیک را می‌توان در تفاوت فرهنگی و اجتماعی کشور ایران و کشورهای غربی دانست. در کشورهای غربی اغلب بحران هویت با زیر سست شدن باورهای دینی همراه است؛ در حالی که این رابطه بین دو متغیر بحران‌زدگی و پذیرش یا نفی دینداری دیده نشد. نظر کوتاه و لوین (۲۰۰۲) نیز در همین راستا است. آنها معتقدند در جوامع پیش‌مدرن، اغلب افراد جامعه در منزلت دنباله‌رو هستند و در جوامع مدرن

1. Markstrom, -Adams, C., Hofstra, G., & Dougher

سردرگمی و بحران‌زدگی غالب است.

رابعاً، بین هویت‌یافتگی و پذیرش هویت دینی در دختران و پسران رابطه‌ای به دست نیامد. این یافته مورد انتظار نبود، چون انتظار می‌رفت بین هویت‌یافتگی و پذیرش هویت دینی رابطه مثبت وجود داشته باشد. تفسیر این یافته به این صورت است که دانشجویان هویت‌یابی بین شخصی خود را در تعارض و یا همسویی قابل توجه با پذیرش هویت دینی خود ندانسته‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های سلطانی فر (۱۳۸۳) مبنی بر رابطه مثبت بین هویت‌یافتگی و دینداری و نیز پژوهش فولتن^۱ (۱۹۹۷) نشان‌دهنده رابطه مثبت جهت‌گیری درونی مذهبی و هویت‌یافتگی هماهنگ نبود؛ ولی با یافته نجفی (۱۳۸۲) مبنی بر عدم رابطه هویت‌یافتگی با دینداری همسو بود. البته محتوای هویت بین شخصی با هویت عقیدتی که توسط دیگر پژوهشگران مورد مطالعه قرار گرفته است نیز تفاوت دارد. یافته دیگر پژوهش حاضر در زمینه هویت‌یافتگی بین شخصی و نفی هویت در جهت انتظار بود. بین هویت‌یافتگی و نفی هویت دینی در دختران و پسران همبستگی مثبت معنادار به دست آمد. البته مقدار تبیین واریانس تغییرات هویت‌یافتگی براساس هویت‌یافتگی بین شخصی برای دختران ۳ درصد و برای پسران ۶ درصد است. برای تفسیر این نتیجه می‌توان به محتوای چهارگانه هویت بین شخصی اشاره کرد. در دو محتوای انتخاب دوست و انتخاب تفریح ممکن دانشجویان ممکن است کمتر به معیارهای دینی توجه داشته باشند. البته در دو محتوای دیگر که تنظیم رفتار در برابر جنس مخالف و نقش همسری نیز ممکن است دانشجویان تا حدودی تحت‌تأثیر معیارهای غیردینی و احياناً معیارهای فرهنگ غربی قرار گرفته باشند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت رابطه سردرگمی با دینداری در هر دو جنس رابطه‌ای منفی است، به این معنا که افراد سردرگم فاقد باورها و تعهدات دینی لازم هستند. همچنین رابطه دنباله‌روی و دینداری نیز در هر دو جنس حاکی از تبعیت افراد دنباله‌رو از نظام‌های دینی کشور است. درخصوص رابطه بحران هویت که در آن فرد فعلاً به دنبال تجدیدی نظر در باورهای کودکی است، نتیجه پژوهش حاضر نشان‌دهنده عدم رابطه، ولی پژوهش‌های غربی حاکی از رابطه مثبت بحران هویت و

1. Fulton, A. S.

زیرسؤال بردن دین به ویژه در جوامع غربی است. آخرین نکته دربارهٔ هویت‌یافتگی و دینداری نیز یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر متفاوت بود. در تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر به جامعه دانشجویی لازم است احتیاط کرد. برای تعمیم نتایج لازم است پژوهش‌های بیشتری در این زمینه در شهرهای مختلف و نمونه‌های دیگر انجام داد. با توجه به اینکه پرسشنامه سنجش عینی منزلت هویت من که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت، در حوزه هویت بین شخصی، بیشتر ساختار هویت را می‌سنجد و نه محتوای آن را؛ از این رو، رابطه مثبت معنادار به دست آمده بین هویت‌یافتگی بین شخصی و نفی هویت دینی، دور از انتظار نیست.

محدودیت‌ها

- جامعه آماری پژوهش حاضر به دانشجویان مقطع لیسانس چند گروه تحصیلی دانشگاه تهران محدود می‌شد. به همین دلیل محدودیت‌هایی را برای تعمیم یافته‌ها و تفسیرها به وجود می‌آورد.

- طرح پژوهشی مطالعه حاضر به عنوان یکی از نمونه طرح‌های همبستگی، محدودیت‌هایی را در زمینه اسنادهای علت شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شود.

- نحوه کنترل متغیرها، همپوشی متغیرها و متغیرهای مزاحم که مد نظر این پژوهش قرار نگرفت، می‌توانند بر نتایج تأثیرگذار باشند که به دلیل همه این محدودیت‌ها باید در تفسیر و تعمیم نتایج، احتیاط به طور کامل رعایت شود.

پیشنهادها

اجرای پژوهش‌های مشابه با استفاده از گروه‌های نمونه و روش‌های آماری مختلف می‌تواند تکرارپذیری یافته‌های پژوهش حاضر را بررسی کند و همچنین، می‌تواند ابهام‌های مربوط به رابطه هویت دینی و هویت بین شخصی در پژوهش حاضر را برطرف کند. انجام پژوهش‌های میان فرهنگی مشابه و مقایسه با پژوهش حاضر، می‌تواند در تبیین بهتر یافته‌ها مفید باشد. با توجه به اینکه هویت دینی و هویت بین شخصی، تا اندازه زیادی وابسته به فرهنگ هستند، رابطه میان این متغیرها در فرهنگ‌های دیگر غیراسلامی و غیرایرانی ممکن است نتایج جالبی را دربرداشته باشد.

منابع

- برک، لورا ای. (۱۳۸۵)، *روان‌شناسی رشد*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: انتشارات ارسباران.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی نوجوانان*، تهران: دفتر نشر انقلاب اسلامی.
- تقی‌یاره، فاطمه؛ مظاهری، محمدعلی و آزادفلاح، پرویز (۱۳۸۴)، بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان، *مجله روان‌شناسی*، ش ۳۳.
- رحیمی‌نژاد، عباس و احمدی، علی‌اصغر (۱۳۷۴)، مطالعه تحلیلی و علی‌هویت‌یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش‌آموزان دختر و پسر نوجوان تهرانی، معاونت پرورشی، وزارت آموزش و پرورش.
- رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۷۹)، بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- سلطانی‌فر، علی (۱۳۸۳)، بررسی ارتباط بین وضعیت‌های هویت و دینداری در دانش‌آموزان و دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *جوان و بحران هویت*، تهران: انتشارات سروش.
- فراهانی، حجت‌اله و عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۷)، *روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی*، ج ۲، اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان.
- منصور، محمود و دادستان، پریخ (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی ژنتیک (۲)*، تهران: دریا.
- نجفی، محمود (۱۳۸۲)، بررسی رابطه کارآیی خانواده و دینداری با بحران هویت در دانش‌آموزان دختر و پسر در سال تحصیلی ۱۳۸۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

Adams, G. R. (1998), *The objective measure of ego identity status: A reference manual*.

Bennion, L. D., & Adams, G. R. (1986), A revision of the extended version of the objective measure of ego identity status: An identity instrument for use with late adolescents. *Journal of Adolescent Research*, 1(2), 183-197.

Erikson, E. H. (1968), *Youth identity and crisis*, Faber and Faber, 24 Ressel Square, London.

Erikson, E. H. (1950), *Childhood and society*, revised 1963.

- Erikson, E. H. (1968), Identity and the life cycle, *Psychological Issues*, 1, 18.
- Erikson, E. H. (1963), *Childhood and society* (2nd edition). New York : Penguin Books Ltd, Harmondsworth
- Fulton, A. S. (1997), Identity Status, Religious Orientation and Prejudice, *Journal of Youth and Adolescence*, 26, 1,1-11.
- Marcia, J. E. (1980), Identity in adolescence in *Handbook of adolescent psychology* (ed) by Adelson. J. (1980), John Willy and Sons, New York.
- Markstrom-Adams, C., Hofstra, G., & Dougher, K. (1994), The ego-virtue of fidelity: A case for the study of religion and identity formation in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 23(4), 453-469.
- Solomontos-Kountouri, O. & Hurry, J. (2008), Political, religious and occupational identities in context: Placing identity status paradigm in context. *Journal of adolescence*, 31(2), 241-258.
- Cote, J. E., & Levine, C. G. (2002), *Identity formation, agency, and culture*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates
- Leak, G. K. (2009), An assessment of the relationship between identity development, faith development, and religious commitment. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 9(3), 201-218.
- Schwartz, S. J. (2005), A New Identity for Identity Research: Recommendations for Expanding and. *Journal of Adolescent Research*, 20 (3), 293-308.